

شهرزاد

هفته‌نامه مجازی

شماره چهاردهم - جمعه ۱۴ مهر ۱۳۹۶

امیر اسفندیاری؛ واکنش مثبت اهالی دانش و فرهنگ به شهرزاد

گفت‌وگو با عوامل: مهدی حسینی‌وند

ذره‌بین: امان از عشق...

کامنت: مرگ و زندگی در خانه بزرگ آقا

هفته نامه مجازی شهرزاد

زیر نظر مسعود نجفی (مدیر روابط عمومی سریال شهرزاد)

سردبیر: سید محمد صادق لواسانی
تحریریه: سپیده حیدر آبادی، شراره داودی و پریسا چیندزی
باسپاس از مسعود رفیع زاده و عرفان بهکار

طراح گرافیک: علی شکوری
عکس: نوشین جعفری
عکس جلد: محمد اسماعیلی
عکس پشت جلد: مهدی دلخواسته

شهرزاد در فضای مجازی:

سایت رسمی: www.shahrazadseries.com

تماشای آنلاین و قانونی: www.lotusplay.ir

اینستاگرام: [instagram.com/shahrazadseries](https://www.instagram.com/shahrazadseries)

کانال تلگرام: <http://telegram.me/shahrazadseason2>

هفته نامه مجازی شهرزاد را هر جمعه از کانال تلگرامی و سایت سریال دریافت کنید.

درج مطالب با ذکر منبع بلامانع است.

سوالات از عوامل سریال و همچنین نظرات خود را به آدرس تلگرامی [@ShahrazadContact](https://t.me/ShahrazadContact) ارسال کنید



فهرست

- | | | | |
|----|-------------------------------------|----|------------------------------------|
| ۳ | یادداشت: امیر اسفندیاری | ۴ | خبر |
| ۵ | بازتاب | ۶ | گفت و گویا عوامل: مهدی حسینی و نند |
| ۱۰ | فضای مجازی | ۱۴ | از نگاه منتقد: جبار آذین |
| ۱۶ | کامنت: مرگ و زندگی در خانه بزرگ آقا | ۱۸ | ذره بین: امان از عشق |
| ۲۰ | عکس نوشت: قسمت چهاردهم | ۲۲ | مخاطب خاص: کارمندان |
| ۲۶ | قاب آینده: قسمت پانزدهم | | |

گام ارتقا داده است.

این مجموعه خوش ساخت، با بازی‌هایی بسیار خوب و بیاد ماندنی، در رقابت با محصولات داخلی و خارجی در بازار ایران به توفیقی قابل توجه دست یافته است، قطعاً توانایی حسن فتحنی در کارگردانی بر کسی پوشیده نیست.

فتحنی علاوه بر اینکه کارگردانی کاردان است، انسانی شریف، محترم و فرهیخته‌ای است که مصاحبتش برای هر کسی غنیمتی است. به کلیه دست‌اندرکاران این مجموعه، خصوصاً آقای حسن فتحنی عزیز، کارگردان دوست‌داشتنی و محبوب مجموعه «شهرزاد»، خداقوت و خسته نباشید فراوان می‌گویم، دستم‌براز.



امیر اسفندیاری / مدیر فرهنگی

«شهرزاد» مجموعه‌ای خوب و دیدنی است که به خوبی از الگوهای کلاسیک قصه‌گویی بهره‌برده است، به همین واسطه مورد استقبال مخاطبان خاص و عام قرار گرفته است، مایه مسرت است که صاحب‌نظران و اهالی دانش و فرهنگ نیز برخوردی خوب و مثبت با این مجموعه داشته‌اند.

محور اصلی این سریال قصه عشق است، ولی در روند پیشرفت داستان، دیگر قضایا و مسائل آن روز مملکت (وقایع تاریخی) هم‌سازی و جاری است. در مجموع، نهایت تلاش شده است که با ماجراهای اجتماعی و تاریخی سختی وجود داشته باشد و ماجراها از ماقع خیلی دور نباشد. زیبایی این مجموعه بر طرفدار این است که در عین استفاده از شیوه‌های کلاسیک قصه‌گو و مردمی، مفاهیم اجتماعی، سیاسی و تاریخی را فراموش نکرده و محصولی عرضه می‌کند که برآمده از تخیل نویسندگان مجموعه برای ارائه رویکردی متمایز و متفاوت به تاریخ، شورش و شوریدگی است.

سریال «شهرزاد» از نظر اجراء، روایت، پرداخت و جزئیاتی مثل طراحی صحنه و لباس و دیالوگ‌نویسی، فارغ از برخی کاستی‌های جزئی، سطح مجموعه‌سازی را در سال‌های اخیر چندین

واکنش مثبت اهالی دانش و فرهنگ به شهرزاد



قسمت آخر شهرزاد در ۹۰ دقیقه

حضرت اباعبدالله الحسین (ع)، دوشنبه آتی عرضه می شود.

همچنین آخرین نمایش ویژه فصل دوم، یکشنبه ۱۶ مهرماه در پردیس کورش خواهد بود که بلیت آن از سایت سینماتیکت قابل خریداری است.

اکنون فصل سوم سریال در حال تصویربرداری است و زمان عرضه آن در آینده ای نزدیک اعلام می شود.

شماره پایانی هفته نامه شهرزاد نیز پس از انتشار قسمت پانزدهم، روز جمعه ۲۱ مهرماه منتشر می شود.



قسمت پایانی فصل دوم سریال «شهرزاد» دوشنبه ۱۷ مهرماه در ۹۰ دقیقه عرضه می شود. فصل دوم این سریال در ۱۵ قسمت پیش بینی شده است. قسمت آخر فصل دوم که به صورت ویژه و در ۹۰ دقیقه آماده شده است، با یک هفته تاخیر به دلیل همزمانی با ایام شهادت



معرفی برنده مسابقه دو هفته اخیر شهرزاد



کیک زیبایی را برای سریال پخته است که از خلاقیت بالایی برخوردار است. همچنین منتخب هفته پنجم، تصویری را با مضمون حمایت از آثار فرهنگی و هنری به اشتراک گذاشته بود.

مخاطبان، کیفیت آثار به اشتراک گذاشته شده در اینستاگرام به شکلی بود که تنها دو اثر به عنوان برگزیده این دو هفته انتخاب شدند. برگزیده هفته چهارم مسابقه،

مسابقه هفته چهارم و پنجم بهترین چیدمان با جلد شهرزاد، بهترین عکس نوشت و یا بهترین طراحی سریال برگزار شد. در مسابقه هفته چهارم و پنجم، علی رغم استقبال



شهرزاد در رسانه‌ها

روزنامه صبا، بانی فیلم، ایرنا، آنا، پانا، برنا، سینماپرس، میزان، سوره سینما، ایلنا، ایسکانیوز و کانال‌های تلگرامی مختلف، این خبر و تصویر را منتشر کردند. علاوه بر این، تعدادی زیادی از مخاطبان در صفحات شخصی خود، کاور قسمت چهاردهم را به اشتراک گذاشتند.

● هفته گذشته و در زمان تصویربرداری فصل سوم «شهرزاد»، عباس یاری عضو شورای سردبیری مجله فیلم در پشت صحنه سریال حضور پیدا کرد و مشاهدات خود از شهرک سینمایی غزالی را ثبت کرده است.

● در میان اخبار مربوط به شماره قبل هفته‌نامه، یادداشت نرگس آبیاری با استقبال خوبی همراه شد و در بسیاری از صفحات مجازی و همچنین بعضی رسانه‌های مرتبط با سینما و تلویزیون باز نشر داده شد. ● اخبار مربوط به توزیع قسمت چهاردهم شهرزاد نیز طبق روال هفته‌های گذشته، در رسانه‌های مختلف بازتاب فراوانی داشت. بازگشت شهتاب حسینی و ترانه علیدوستی بر روی کاور این قسمت نظر بعضی از رسانه‌ها را به خود جلب کرده بود. رسانه‌هایی مانند



مصاحبه با مهدی حسینی‌وند، تدوینگر «شهرزاد».

تدوینگر به دنبال مرواید هر پلان می‌گردد

❖ شماره داودی

تدوین از آن دسته کارهای سخت در فیلمسازی است! انبوهی از تصاویر ضبط شده در صحنه را باید بر اساس فیلمنامه کنار هم قرار داد، حالا اینکه این پرش‌ها در کجا انجام می‌شوند، اهمیت زیادی دارد، می‌گویند بهترین تدوین زمانی است که مخاطب متوجه تدوین نشود و با خط داستان تا انتهای مجموعه برود. در سریال‌ها کار تدوین سخت‌تر هم می‌شود چون طولانی‌تر است و شخصیت‌ها و لوکیشن‌های بیشتری هم دارد.

مهدی حسینی‌وند به همراه دو دستیار خودش مجتبی اصفهانی و اسماعیل زارعی یک گروه سه نفره هستند که تدوین پروژه «شهرزاد» را انجام می‌دهند. از حسینی‌وند از سختی‌های کارش پرسیدیم و او تعریف می‌کند که سنگین‌ترین کار کارنامه‌اش را به نام «شهرزاد» می‌زند! شهرزادی که به گفته او در فصل سوم جذاب‌تر هم می‌شود.



■ آقای حسینی وند این روزها درگیر پروژه «شهرزاد» هستنید که فکر می‌کنم از کارهای سنگین کارنامه‌تان هم باشد.

پروژه شهرزاد برای خود من خیلی کار سخت و سنگینی بوده، بیشتر هم به این دلیل که در این پروژه هیچ گروهی کم نمی‌گذارد. از طرفی با یک مجموعه پر پلان هم روبرو هستیم؛ به طوریکه در هر قسمت زیر ۵۰۰ پلان (برش) نداریم! حتی در فصل دوم قسمتی داشتیم که ۷۰۰ برش خورده بود! در صورتیکه برای یک قسمت ۵۵-۶۰ دقیقه‌ای تعداد زیادی است، اما کل مجموعه این طور است که تعداد کات‌های زیادی دارد و تمام تلاش من این بوده که مخاطب پلان و کات را نبیند و توجهش به قصه جلب باشد. به طوریکه با وجود تعدد پلان، به روایت داستان لطمه وارد نشود.

■ این تعدد پلان دقیقاً از چه چیزی نشأت می‌گیرد؟

منشأ اصلی تعدد پلان، فرمی است که خود کارگردان در نظر می‌گیرد. یعنی کارگردان در دکوپاژ خودش به ندرت به سراغ پلان‌های طولانی می‌رود، علی‌رغم اینکه می‌تواند حرکت دوربین را می‌بینیم، اما تمایل کارگردان بر مبنای تعداد پلان زیاد است، برای مثال اگر شما یک سکانس ۴ دقیقه‌ای در سریال را در نظر بگیرید، بعید است که کمتر از ۲۰ برش داشته باشد. همه این‌ها بر اساس تصمیم کارگردان است، دکوپاژ او پر پلان است و به همین دلیل

هم تصاویری که روی میز تدوین می‌آید، تعدد پلان از زوایای مختلف را دارد.

این پر پلان بودن هم دلیل دارد، جذب مخاطب که تنوع پلان توجه او را جلب می‌کند. از طرفی اگر ریتم کند باشد و پلان طولانی داشته باشیم، مخاطب ممکن است تماشای اثر را رها کند. بنابراین تنوع پلان به جذب مخاطب هم کمک می‌کند. این روش را در آثار خارجی هم می‌توانیم ببینیم که به سمت پر پلان شدن می‌روند. اما چیزی که وظیفه ما را سنگین می‌کند این است که در عین تعدد پلان این طور نباشد که ما برش زیادی داریم، بلکه این کار باید در خدمت قصه اتفاق بیفتد و تلاش ما هم همین بوده است.

■ تاثیر بازیگرها، دیالوگ‌ها و تدوین عوامل روی تدوین چقدر است؟

سختی کار از این جهت در «شهرزاد» زیاد بود که این کار با استانداردهای بالایی تولید می‌شود و هر کسی در حوزه خودش بالاترین کیفیت را ارائه داده است که در راس آن‌ها تهیه‌کننده و کارگردان هستند که خواستند چنین سریالی را کار کنند و سطح کیفی بالایی را از همه عوامل خواستند، این روند در تدوین هم وجود دارد. من هم از ابتدای فیلمبرداری پروژه در آن حضور داشتم و در این مدت تمام تمرکز روی همین مجموعه بوده و به دلیل سنگین بودن آن باید با تمام فکر و تمرکز روی کار وقت گذاشت. چون به هر حال زحمات تمام گروه زیر دست ما قرار می‌گیرد و

در «شهرزاد» کات‌های زیادی وجود دارد، تلاش من این بوده که مخاطب کات را نبیند و به قصه توجه کند



گفت و گو با عوامل

سعی می‌کنم این جهان بینی را پیدا کنم و در جهت آن حرکت داشته باشم. به همین دلیل وقتی با آن‌ها هم‌زبان می‌شوی، تنش‌های ایجاد نمی‌شود و اگر چیزی باشد در جریان کار و سختی آن اتفاق می‌افتد.

چون در تدوین باید بهترین‌ها را جدا شود و نتیجه کار همه زیر دست ماست، همان‌طور که جمله‌ای در میان ما تدوین‌گرها هست؛ اینکه هر پلان مانند یک صدف است که باید در آن مروارید را پیدا کنیم و آن‌ها را در کنار یکدیگر بچینیم! ما تلاش می‌کنیم این کار را انجام دهیم.

■ به عقب تر برویم، آقای حسینی وند شما چطور وارد دنیای سینما و تدوین گری شدید؟

از نوجوانی به فیلمسازی علاقه داشتم و در دوران دبیرستان هم در کلاس‌های فیلمسازی کانون شرکت می‌کردم. بعد از دیپلم هم وارد دانشکده صدا و سیما شدم و تدوین خواندم.

پس از فراغ تحصیلی هم به عنوان تدوینگر در صدا و سیما استخدام شدم و هم‌زمان بیرون هم کارهای تدوین

انجام می‌دادم و هم به علاقه شخصی‌ام یعنی کارگردانی رسیدگی می‌کردم. در آن زمان چند فیلم کوتاه ساختم، بعد از آن سریالی به نام «خورشید و ماه» را برای شبکه ۵ ساختم. در

چند فیلم سینمایی دستیار کارگردانی کردم، در قسمت اول «کلاه قرمزی» دستیار دوم کارگردان بودم. اما در این جریان تدوین جدی‌تر شد و کارهای بیشتری انجام دادم. البته همچنان دوست دارم کارگردانی هم کنم.

■ یعنی عشق به کارگردانی بود که پای شما را به سمت تدوینگری گشاند؟

بله، دقیقا. همیشه هم نگاهم این است که در کارهای تدوینی که حضور دارم و در کنار کارگردان‌های بزرگی بوده و هستم، تجربه‌اندوژی کنم.

■ یعنی یک روزی شما را به عنوان کارگردان می‌شناسیم؟

فکر می‌کنم به زودی این اتفاق بیفتد چون کار تدوین را هم در چند سال گذشته خیلی کم کرده‌ام و در همین مسیر هم تلاش می‌کنم. البته این حرف به این معنی نیست که کار تدوین را هم می‌کنم چون تدوینگری را خیلی دوست دارم

باید به نتیجه مطلوب دست پیدا کنیم. همچنین روند قصه و چیدمان سکانس‌های هر قسمت با همفکری کارگردان جلو می‌رود. البته در این میان توجه مخاطب روی این مجموعه را هم نباید نادیده گرفت که کوچکترین جایی، یا را کج بگذاریم، مخاطب هم متوجه آن می‌شود.

■ شهرزاد اولین تجربه همکاری شما با آقای فتحی بوده است؟

در حدود ۱۰ سال قبل آقای فتحی تله فیلمی به نام «روبا هایت را به خاطر بسپار» ساخته بودند که داستان آن در لبنان می‌گذشت و من تدوین فیلم را انجام داده بودم. بعد از آن با اینکه در بعضی کارها قرار بود با هم کار کنیم، اما من مشغول مجموعه «مختار نامه» بودم، تا اینکه همکار مجددم در مجموعه «شهرزاد» اتفاق افتاد.

■ خودتان اگر بخواهید یک کار سنگین را در کارنامه کاری تان انتخاب کنید، کدام یکی است؟

کار سنگین را در کارنامه من زیاد می‌توانید پیدا کنید؛ از «مختار نامه» و «در چشم باد» تا «معصومیت از دست رفته» و «سفر سبز». اما عجیب است که در نظر من «شهرزاد» خیلی کار سنگینی است!

■ کار کردن با آقای فتحی نسبت به دیگر کارگردان‌ها سخت است؟

در حقیقت جنس کارگردان‌ها با یکدیگر متفاوت است، اصولا برخی از کارگردان‌ها هستند که خیلی سخت‌گیرند و آقای فتحی را باید در این دسته‌بندی قرار دهیم. اصولا کارگردان‌هایی که کارشان سطح بالاتری دارد سخت‌گیر هستند و از عوامل هم می‌خواهند با تمام قوا انرژی حاضر شوند و اگر تمرکز نداشته باشی، کار سخت‌تری پیش می‌رود. البته که خودشان هم با تمام قوا و انرژی سر یک پروژه حاضر می‌شوند و این انتظار را از عوامل هم دارند.

باید بگویم که شخصا در این مدت رابطه خوبی با آقای فتحی در مسیر تدوین داشته‌ام. به هر حال در ۲۸ قسمتی که در فصل اول کار کردیم، خیلی سلیقه‌های مان به یکدیگر نزدیک شد. کارگردان‌ها جهان بینی خودشان را دارند و می‌خواهند این فضا هم در اثر دیده شود، من هم

کارگردان می‌خواهد جهان بینی خودش را در اثر ببیند، من سعی می‌کنم این جهان بینی را پیدا و در جهت آن حرکت کنم



مدت زمان باعث می‌شود که در کاراکترها و شرایطی که دارند، غرق شود و خودش را جزئی از آن‌ها ببیند و حتی با آن‌ها صحبت کند، در صورتیکه اصلا با کسی حرف نزده است! احساس می‌کنم این روند، تلویزیگر را به سمت تنها و کم‌حرف شدن می‌برد و به همین دلیل می‌گویم باید از این فضا کمی فاصله گرفت.

■ آقای حسینی وند شما در صدا و سیما، سینما و نمایش خانگی آثاری را تدوین کرده‌اید، آیا این مدیوم‌ها روی کار تدوین موثر هستند یا اصلا برای شما تفاوتی هم دارد در کدام فضا کار می‌کنید؟

ما یک قصه داریم که قرار است آن را به زبان تصویر تعریف کنیم؛ این تصویر گاهی تلویزیون، گاهی نمایش خانگی و گاهی هم سینماست، شاید از نظر تکنیک و ابزار تفاوت‌های کوچکی داشته باشند، اما در ماهیت بحث همان روایت قصه است. بنابراین در اصل ماجرا تفاوتی ندارد، چون روایت درست قصه از نظر تصویر باید اتفاق بیفتد. تفاوت‌ها را این طور می‌توان برشمرد که برای مثال در سینما و روی پرده بزرگ می‌توان از زبان ایما و اشاره استفاده کرد چون به‌رحال تسلط پرده سینما روی مخاطب بیشتر است. از طرفی مخاطب تلویزیون سطح وسیع‌تری از آدم‌ها را شامل می‌شود و باید با مخاطب راحت‌تر حرف بزیم. البته روزگاری می‌گفتم تلویزیون صفحه کوچکی دارد و استفاده از نماهای بسته بهتر است، اما امروزه با توجه به اینکه صفحه‌های تلویزیون‌ها بزرگ شده‌اند حتی با لانگ شات هم می‌توان به نتیجه رسید.

و با تمام عشق و علاقه این کار را انجام می‌دهم و پای میز تدوین هم از موضع یک تدوین‌گر می‌نشینم. اما در مسیر هدف‌گذاری که برای خودم انجام دادم دلم می‌خواهد به کارگردانی هم برسم. البته نمی‌توانم پر کار باشم و هر دو را با هم داشته باشم، به همین دلیل مجبور هستم یکی را کم کنم.

■ اولین کار سینمایی که تدوین کردید، چه بود؟ در سینما اولین کار من «مهمان مامان» به کارگردانی داریوش مهرجویی بود.

■ چه طور شد وارد این پروژه شدید؟

اولین کاری که به عنوان دستیار کارگردان انجام دادم، فیلم «وینار» به کارگردانی شهرام اسدی بود و محمدرضا شریفی‌نیا اولین باری بود که بازی می‌کرد که با هم آشنا شدیم. بعد از آن در «سفر سبز» هم با هم همکاری بودیم و همین آشنایی باعث شد که آقای شریفی‌نیا من را به آقای داود میرباقری برای سریال «معصومیت از دست رفته» معرفی کند آقای شریفی‌نیا در «مهمان مامان» هم حضور داشت و من را هم معرفی کرد و همین آغاز همکاری با آقای مهرجویی شد که در «ستوری» هم ادامه داشت. البته فکر می‌کنم کار تدوین خیلی سخت باشد! به هر حال مجموعه زیادی از راش‌ها در اختیار شما قرار می‌گیرد و پیدا کردن بهترین و ناب‌ترین قسمت کار سختی است. دقیقا کار خیلی سختی است و باید بگویم اخیرا هم من به چیزی پی برده‌ام که حتی باعث شده من فاصله‌ام را با تدوین زیاد کنم. بعد از این سال‌ها پی بردم که تدوینگر روزانه تقریبا ۱۰ ساعتی را پای میز تدوین می‌نشیند و با داستان‌ها و شخصیت‌های زیادی درگیر می‌شود، این



فضای مجازی



عکسی از سام نوری، مهدی سلطانی و امیرحسین فتاحی در پشت صحنه فصل دوم شهرزاد



عکسی که ترانه علیدوستی با گردنبنده مرغ آمین به اشتراک گذاشت



خواهران و مادر اکرم در پشت صحنه سریال



«شریت شریزه تو فکر» در اینستاگرام پانته‌آ پناهی‌ها



طراحی یکی از مخاطبان با کاراکتر شهرزاد





حال خوش یکی از مخاطبان



سرزال شهرزاد فصل به فصل زیباتر می شود...



و سرانجام کسی خواهد آمد و با مهربانی هایش به تو نشان خواهد داد که تو قبل از دیدن او، اصلاً زندگی نکرده ای



تصویری برای شرکت در مسابقه شهرزاد



بس نیست این همه ناگامی؟



چینش یکی از مخاطبان با جلد قسمت های مختلف





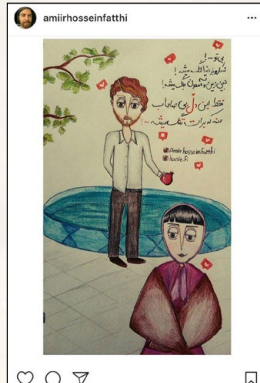
مرغ آمین درد آلودی است که آواره بمانده



تشکر یکی از مخاطبان برای ساخت سریال



نیست در عالمز هجران تلختر



نقاشی جالب از صابر و شیرین



پرتراهی از شهرزاد که یکی از مخاطبان هنرمند سریال کشیده است



گوشواره و گردنبند شهرزاد





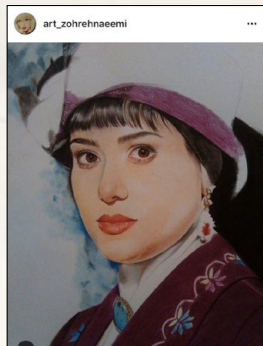
مهر مادری...



گاهی آدم تو جنگ با خودش باید اونقدر پیش بره که یه ویرونه بسازه از وجودش...



دلی که عاشق و صابر بود، مگر سنگ است؟



طراحی زیبا از چهره شیرین دیوان سالار



همیشه انتخاب با خود انسان است، بهشت یا جهنم؟ حلال یا حرام؟



به مرد برای دلگرمی و بستن به به لحظه محتاجه، برای فراموش کردن به به عمرا



کارگردانی خوش فکر، شهرزاد را به منصفه ظهور رساند

جبار آدین



عرصه بازیگری و روند قصه، شهروزاد همچنان قوی مسیر خود را طی می‌کند و معتمد فصل کنونی نه تنها ضعیف‌تر از فصل گذشته نیست، بلکه در ادامه قدرت آن است. از همین رو شهروزاد به عنوان یک اثر تلویزیونی استاندارد و با محتوا، از معدود آثار ماندنی و پر مخاطب عرصه هنر کشور تلقی می‌شود. از جمله امتیازهای شاخص این مجموعه، دلنشینی بازی‌های خوب بازیگران آن است که از میان برترین‌های بازیگر کشور به درستی گزینش شده‌اند و با رهبری مناسب حسن فتحی کارگردان خلاق کشورمان، جذاب‌ترین بازی‌های خود را در این سریال ارائه کرده‌اند، به گونه‌ای که بازی‌های اغلب بازیگران به ویژه شهاب حسینی و ترانه علیدوستی مانند سایر آثاری که در آن‌ها حضور داشتند، مثال زدنی است.

برای حسن فتحی و همه عوامل این سریال پر طرفدار آرزوی موفقیت در ادامه راه دارم. در خبرها شنیدیم که فیلمبرداری فصل سوم آن هم آغاز شده است که قطعاً مانند دو فصل گذشته آن دیدنی و پر قدرت خواهد بود.

یکی از سریال‌های خوش ساخت، استاندارد و جذاب و مخاطب‌پسند تلویزیون که به دلایل فراوان از جمله نبود حمایت‌های لازم در این رسانه و همچنین سیاست‌های سلیقه‌ای هرگز نمی‌توانست در سیمای جمهوری اسلامی تولید و پخش شود به همت کارگردان باسواد و خوش فکر سینما و تلویزیون در حوزه سینمای خانگی به منصف ظهور رسید.

سریالی که از همان آغاز به دلیل ساخت حرفه‌ای، داستانی مستندگونه و جذاب با هویت خوب کارگردان آن و بازی‌های درخشان بازیگرانش توانست راهی مقبول در دل خانواده‌ها و به ویژه جوانان باز کند. فصل نخست این سریال از قوی‌ترین بخش‌های یک سریال عاشقانه اجتماعی در میان تولیدات سینمایی و تلویزیونی است. با آنکه فصل جدید و در حال پخش آن از سوی برخی با اما و اگرها روبرو شده است و حدیث‌هایی درباره چگونگی مسائل مالی این سریال ورد زبان‌هاست، اما این نوع رویدادها در ساختار محکم و منسجم شهروزاد تاثیر نداشته است. در فصل جدید آن به رغم ورود و خروج برخی چهره‌های شناخته شده



مرگ و زندگی در خانه بزرگ آقا



در قسمت چهاردهم سریال «شهرزاد» بیش از همه عمه بلقیس در مرکز توجه بود، از اتفاقی که برایش افتاد تا رفتاری که با اکرم داشت. بود و نبود عمه بلقیس برای بیشتر مخاطبان دغدغه شده و گمانه‌زنی‌های بسیاری درباره سرنوشت او و حوادثی که در ادامه بر خاندان دیوان سالار می‌گذرد، وجود داشته است.

همچنین بسیاری از مخاطبان درباره سرنوشت اکرم نظرات خودشان را گفته‌اند. در چهاردهمین هفته‌نامه شهرزاد، بخشی از این نظرات را می‌خوانید. لازم به توضیح است که درج این مطالب، به معنای تایید همه محتوای آن نیست:

اون نگاه‌های پرحسرت قبلی شهرزاد خبری نیست وقتی در کنار مرد محبوبش قرار گرفته؛ عاشق و معشوقی که درک مشترک از مسائل دارن و شناخت در سستون از همدیگه، از واکنش هاشون به شرایط پیش رو و گفتگوهای دو طرفه شون برداشت میشه. اما از همون ابتدای این زندگی سایه تاریک قیاد به قدرت رسیده حس میشه. هر چند که با وجود حقارتها و عقده‌های درونیش، این ضربه زدن‌ها به شهرزاد و فرهاد از سمت او و تصمیمات اشتباه و رفتارهای غلط و ابلهانه‌ش مثل تبدیل دفتر نشر به به‌آغل کاملاً منطقی به نظر میرسه و عجیب نیست. بنابراین فضای زندگی عاشقانه شهرزاد و فرهاد همیشه با بحران همراه هست، اما مقاومت این دو عاشق در مقابل تهدیدات، جذابیت دو چندان خواهد

مهرناز: برخلاف نظر عده‌ای از مخاطبین که اصرار دارن فصل اول جذابتر بود، من فکر می‌کنم فصل دوم هم جذابیت خاص خودشو داره. درسته که فصل اول شخصیت‌ها و فضای داستان بکر و تازه بود اما در این فصل همون شخصیت‌های تثبیت شده در ادامه روند داستان در موقعیت‌های جدیدی قرار گرفتن، مخصوصاً شیرین که تا به اینجاقصه متفاوت‌تر و شرایط نسبتاً سخت‌تری داشته و با حضور دوباره کاراکتر همایون (صابر) در زندگی‌ش، داستان جذابی خواهد داشت. ضمن اینکه عشق در فراق شهرزاد و فرهاد و عطش وصال پایان فصل اول در این فصل به ایستگاه وصال و زندگی مشترک رسیده و قطعاً از رابطه تحمیلی شهرزاد و قباد فصل یک جذابتر هست، دیگه از



می‌شود.

زهره: به نظرم اکرم بعد از مرگ عمه بلیقیس کودکش را در این خانه به دنیا می‌آورد و خانم خانه دیوان سالار می‌شود.

مرتضی یغمایی: ما در این سریال شخصیت‌های آشنای بسیاری می‌بینیم. از نکات ظریف این سریال ارجاع دوباره به شخصیت‌های خودش است. شاپور بهبودی در چندجا اشاره کرد که مادرش صیغه و کلفت ارباب بوده و به همین دلیل همیشه خودش و مادرش توستری خور بوده اند که ریشه‌ی رفتارهای دو قطبی شاپور هم می‌تواند از همین باشد. در سرنوشتی مشابه فرزند اکرم از قباد وصله ناجوری برای خاندان دیوان سالار می‌شود به نظر من اکرم می‌ماند و کودکش را به دنیا می‌آورد و بخش قابل توجهی از رویاهای قباد را بر باد می‌دهد و چون انگ ماندگاری بر آینده این خاندان تاثیر می‌گذارد.

رضا: بنظر من قباد از پستی اکرم در میاد و عمه بلیقیس هیچ کاری نمیتونه بکنه و کوتاه میاد.

چون تو قضیه خودش و هاشم یک آتو دست اکرم داره و وقتی داشت تلفنی با هاشم حرف می‌زد اکرم رسید پشت در و چیزایی که لازم بود رو شنید.

فرید: اکرم تا به جایی پیش میره اما نمیتونه ارثی از خانواده دیوان سالار بگیره. احتمال زیاد نصرت میفهمه که اکرم همه چیز رو میبونه (از اینکه قباد پسر برادر بزرگ آقانیست گرفته تا لو دادن شربت و محل دفن ململ) و سرش رو میکنه زیر آب.

شقایق: سرنوشت اکرم و بچه اکرم مثل مسعود خان می‌شود که بلیقیس در قسمت اول به مسعود خان طعنه می‌زد اکرم به ظاهر می‌رود اما دو سال یا یک سال بعد با بچه در بغل می‌آید و ادعای ارث و میراث می‌کنند و می‌گویند بچه اش از خاندان دیوان سالار است.

شایان: اکرم تونسته از همه اعضا خانواده دیوان سالار یک آتو بگیرن و کم کم دارن تو دل قباد جا میگیره میشه بگیریم شاید بشه خانم خانه اما به نظر من توسط نصرت کشته میشه.

امین: اکرم در فصل اول شهرزاد شخصیت بسیار مرموزی داشت و در فصل دوم با نزدیک شدن به قباد سعی کرد جایگاهش را در خاندان دیوان سالار تثبیت کند. با مرگ عمه بلیقیس در قسمت چهاردهم اکرم می‌تواند در خاندان دیوان سالار رشد کند و ممکن است قباد از ترس رسوائی او را به عنوان همسر رسمی خود پذیرد و این یعنی وارث جدیدی (فرزند اکرم) برای دیوان سالارها.

داشت... چه زیباست این دیالوگ شهرزاد به فرهاد " هر اتفاقی هم که بیفته من و تو تا ابد کنار همیم " و چه زیباست این دیالوگ فرهاد به شهرزاد " شهرزاد! ما یک بار همدیگه رو از دست دادیم، نمیذارم دوباره اتفاق بیفته..."

ندا خسروی: هیچکس تو این فیلم کاملا بد نیست. هیچکس کملا خوب نیست. مثل خیلی از آدم‌های واقعا انسان شریفی مثل فرهاد کم پیدا میشه. دیگه خیلی شریفه. حتی اگه الاتم پاش بیوفته فکر کنم کمک‌هایی به قباد بکنه. من دلم برای قباد میسوزه. ولی از اونجایی که شک کردم میخواد به بلایی سر فرهاد بباره قسم میخورم بعد اتفاق افتادش نظر منو نسبت به اون کارا کتر صد درجه تغییر بده. یه نفر خیلی قشنگ گفت که مردم عاشق عشق قبادن. اون روی قباد فقط پیش شهرزاد اینطوریه. ولی طرفدارای فرهاد عاشق خود فرهادن چون انسان شریفیه اصلا به طور خاصیه حتی بری تو عمق خاطراتش با شهرزاد امکان نداره دلت رضا بده بر کرده پیش قباد. یا حتی دلت بخواد طرف قباد باشی. واقعا چطور بعضیا طرفدار شخصیت بی جزیره داستان. بینی انقدر دهن بین و احساساتی هستن؟ دو تا عاشق همو کامل میکنن و دارن زندگیشون میکنن یکی می‌مید سینخونک میزنه. خودشون دوست داشتن به زور زن یکی که نمیخوان میشن تادیگران لذت ببرن؟ طرفدارای قباد افتخار نداره. یه جورایی واقعا خنده داره.

حمیده: عمه شخصیت مهمی ست که اومده اوضاع رو سروسامون بده و به نظرم اون دست نصرت رو تو قسمت آخر رو میکنه که اصلا اینا همه دروغ که پدر قباده و بی ربط نیست عکس‌های قدیمی رو دیدم. نصرت فقط چون خودش یه زمانی مادر قباد رو دوست داشته ولی بخاطر قدرت دیوان سالارها از دستش گرفتن میخواد تلاقی کنه و قباد رو به جوری حق خودش میبونه و... بویه نظرم هر کاری که نصرت به قباد گفته تا حالا انجام داده به ضرر دیوان سالارهاست. و عمه همه این مطالب رو بهش پی خواهد برد.

علی: به نظر من هر کس تو سریال کشته شد کشته بشه اشکال نداره ولی صابر و شیرین زنده بمونن و به هم برسن چون که قلباشون پاک و صافه و در حقشون ظلم شده!

نظرات درباره آینده اکرم

هانی: به نظر من اکرم بچه خود را به دنیا می‌آورد قباد هم کم کم از فکر شهرزاد بیرون آمده و عاشق او



بررسی تغییر و تحول شخصیت‌های اصلی سریال «شهرزاد»

امان از عشق...

اگر بُعد زمان را با سال اندازه‌گیری کنیم، زمان زیادی از شروع قصه «شهرزاد» نمی‌گذرد ولی حجم اتفاقات و ماجراها به قدری زیاد است که انگار به همراه کاراکترها طول کامل یک زندگانی را گذرانده‌ایم. طی طریق شخصیت‌های سریال به قدری آهسته و پیوسته است که الان نمی‌توانیم یک تغییر و تحول آنی را از هیچ‌کدام‌شان به یاد بیاوریم. در عین حال می‌شود گفت همه شخصیت‌ها با ضرب تقریب بالایی تغییرات موبرگی و غیرقابل چشم‌پوشی داشته‌اند که این نشان‌دهنده هوش و دقت بالای نویسنده‌های اثر است. در اینجا سعی کردیم تغییر و تحولات چهار شخصیت اصلی را مورد بررسی قرار دهیم.

◀ محمد رضا جعفری



شهرزاد: پاک جنگجو



کافی است صحنه باز کردن در اتاق خواب در شب عروسی‌شان را به یاد بیاورید. شهرزاد مثل فولاد است که هر چقدر بیشتر سرد و گرم شود، آب دیده‌تر می‌شود. برای همین هم هست که در فصل دوم شخصیت مستقل‌تری از او می‌بینیم. برای مثال در صحنه‌ای که هاشم و فرهاد می‌خواهند برای نجات شیرین بروند، شهرزاد هم داوطلب می‌شود و در کمال احترام، مقابل نظر صریح هاشم خان ایستادگی می‌کند. عقل و درایت هم یکی دیگر از ویژگی‌های شهرزاد است که به مرور قوت گرفته و در فصل دوم پررنگتر شده است. با اینکه خودش در کانون زنان سخنران پیشرو و متجددی به حساب می‌آید ولی زمانی که فرهاد می‌خواهد شبنامه منتشر کند، به شدت مخالفت است و تلاش می‌کند از حریم خانوادش محافظت کند.

شهرزاد سعادت، دختر باهوش و سر به زیر خانواده‌ای سنتی است که توانسته گلیش را از آب بیرون بکشد و در دانشگاه پزشکی قبول شود. شهرزاد هم مثل غالب دخترهای هم سن و سالش، دچار درد عشق است و با اینکه خانواده‌ها قرار و مدار عروسی هم گذاشته‌اند، ولی همچنان شرم و حیای دخترانه‌اش را دارد. تا اینجا کار همه چیز عادی است ولی به محض وقوع اولین اتفاق تنش‌زا، شخصیت دوم شهرزاد بیرون می‌زند و از کالبد «زن شرقی» بیرون می‌آید. خالقان اثر، شهرزاد را یک زن «آتنا»یی در نظر گرفته‌اند که مایل به ثبات و پیشرفت صلح‌آمیز است ولی وقتی با روی‌دمش می‌گذراند، خیلی صریح مقابله به مثل می‌کند. شهرزاد انعطاف‌پذیری بالایی دارد و حتی وقتی با لاجبار با قیاد ازدواج می‌کند خیلی زود خودش را با شرایط جدید وقف می‌دهد.



فرهاد: مشتاقی و مهجوری

که به سراغش می‌آیند، حالش را انقدر دگرگون می‌کنند که گردنبد «مرغ آمین» را پاره می‌کند. فرهاد هنوز هم شوهری حامی و گرم است ولی اولویت‌هایش کمی تغییر کرده و فعالیت‌های سیاسی‌اش را جدی‌تر از قبل دنبال می‌کند و در پی فراری دادن دکتر مصدق از زندان است. با اینکه در قسمت چهاردهم سریال «مرغ آمین» را به گردن شهزاد می‌بینیم ولی این چینی بند زده دیگر مثل روز اولش نمی‌شود و فرهادی که کنار پدرش دست به اسلحه شده، دیگر آن بچه مزلف و شاعر و عاشق پیشه نیست.

فرهاد دمانندی زیر پوستی‌ترین شخصیت اصلی داستان به حساب می‌آید. بچه مزلفی است که تمام تلاشش را می‌کند تا به چشم خوشگلی دیده نشود. فرهاد تحصیل کرده، شاعر و عاشق پیشه است ولی سرش بدجوری بوی قرمه سبزی می‌دهد. اصلاً همین کله خراب فرهاد است که نزدیک است به باد برود و همه را به دردمس می‌اندازد. فرهاد تا یک قدمی مرگ می‌رود و برمی‌گردد و با این وجود باز هم شر و شورش نمی‌خواهد و روز از نو روزی از نو. فرهاد در فصل اول و ابتدای فصل دوم عجیب عاشق شهزاد است ولی سوظن‌هایی



قباد: باتکلیف یاغی

باعث می‌شود به محض کنار رفتن «ژوس» تمام تلاشش را کند تا تاج و تخت را به دست بگیرد و خشم فروخورده تمام عمرش را بیرون بریزد. قباد در بین عشق و نفرت در نوسان است و حالا که به قدرت رسیده به هیچ احدالناسی باج نمی‌دهد البته ماجرای شهزاد فرق می‌کند. قباد برای رسیدن به حال خوش زندگی با شهزاد، از سو قصد به جان فرهاد و طلاق دادن شیرین هم ایایی ندارد. با اینکه قباد سعی دارد شخصیت ضعیف و منززلش را در پس قدرت خاندان دیوان سالار پنهان کند ولی در خفا همان کودک لگد خورده و محبت نندیده‌ای است که علی الحساب روح تحریفش را با آغوش کلفت خانه گرم می‌کند.

از بیرون که نگاهش بکنی، داماد بزرگ‌اقا است و چرخ گردون به کامش می‌گردد ولی اوضاع زندگی‌اش هیچ تعریفی ندارد. قباد دیوان سالار مثلاً برادرزاده بزرگ‌اقا دیوان سالار است که بالاچار پای سفره عقد دختر عمویش نشست و داماد سرخانه شده است. قباد در خانه به هیچ وجه احساس امنیت و آرامش نمی‌کند و خودش را می‌سپارد به دنیای عیاشی و وزن پارگی. قباد در تمام طول زندگی‌اش از عمویش تو سری خورده و حتی وقتی با زنش هم دعوا می‌کند، با تهدیدهای جدی بزرگ‌اقا مواجه می‌شود. همه این‌ها دست به دست هم می‌دهند تا قباد کینه بزرگی در دلش جمع کند و دستش به خون بزرگ خاندان دیوان سالار آلوده شود. شخصیت «پوزیدون» می‌قباد



شیرین: بر باد رفته

باعث آن شده تا سلامت روانی‌اش را از دست بدهد. اوج این اتفاق وقتی است که پدرش از او اجازه می‌خواهد تا قباد با شهزاد اوج کند و ضربه مهلک‌تر از مانی می‌خورد که با مرگ بزرگ‌اقا مواجه می‌شود. شیرین با وجود تمام تلاشی که برای قهر تمند بودن می‌کند، تحیف‌ترین شخصیت سریال است که کارش به «مین‌آباد» می‌کشد و حتی بعد از فرار کردن از تیمارستان هم نمی‌تواند خودش را جمع و جور کند. البته مشخص است که این شرایط شیرین دوام زیادی ندارد و نویسندگان سریال روان‌پریشی را کاشتند تا به وقتش محصول پریشاری درو کنند.

شیرین تنها دختر بزرگ‌اقا است که روز تصادف دیگر اعضای خانواده، داخل ماشین نبوده و جان سالم به در برده و بعد عزیز در دانه پدرش شده است. شیرین دیوان سالار به خاطر شرایط تربیتی‌اش به شدت لوس و مغرور بار آمده و بیشتر از جلوی دماغش رانی بیند آرزو کینتایپ شیرین «هرا» است و سعی می‌کند با تجملات و زنانگی صرفه، دل همسرش را به دست بیاورد و وقتی از رسیدن به هدفش عاجز می‌ماند، روی خشونت بارش را نشان می‌دهد و به همه چیز و همه کس پر خاش می‌کند. شیرین دچار نوعی پارانویا هم هست و اتفاقات سخت زندگی





بلقیس: بهرام!
جان! کجایی
ببینی بسرت
قباد... داره چه
جونوری می شه!
هیچیش به تو
نرفته، نه رفتارش
و نه کردارش...
هیچی... تو به کی
رفتی پسر؟



ثریا: گوش کن
بلقیس جون!
هر جور شده
تو باید منو از
این جهنم دره
نجات بدی! تو
باید منو فراری
بدی قبل از
اینکه این
مر تیکه دیوونه
منو بکشه.



صابر: گُستی
چییه! جناب
سروان
شوختون
گرفته یا من؟!
سروان آپرویز:
حالا به خرده
هم شوخی کنیم
باهم! همش
که نباید کتک
بخوری!!

▶ شاپور: تو فکر می کنی من خرم و نمی فهمم که این تیا ترا برای اینه که سرم رو شیره بمالی! می دونی که من سنگ رو به حرف میارم



▶ بلقیس: امر می کنم بهت تا آخر این هفته جل و پلاستو جمع می کنی، شرتو گم می کنی از این عمارت! چنان گورتو گم می کنی که نه انگار وجود نحست بوده تو این دنیا!



▶ اکرم: گذشته‌ها نمی گذره، همیشه یه تیکه از گذشته عین کنه به چون آدم می چسبه و آدمو ول نمی کنه، من هر کثافت کاری که کردم و دارم می کنم، مسببش تویی!





شهرزاد از نگاه کارمندان؛

شهرزاد دل مردم سرزمین مان را رنگین کرد



◀ سپیده حیدرآبادی

به روال هر شماره از هفته‌نامه شهرزاد و دریافت نظرات گروه‌های مختلف اجتماعی درباره سریال، در شماره چهاردهم کارمندان نظرات خود را درباره «شهرزاد» بیان کرده‌اند. در این شماره، هشت کارمند درباره «شهرزاد» صحبت کرده‌اند:

جذب کند. علاوه بر آن قصه ایرانی‌اش نیز موجب شد تا به خوبی در ذهن مخاطب ته نشین شود. بنابراین می‌توان گفت هیچ عاملی در سریال از جذابیت و کلیت آن نمی‌کاهد.

البته این نکته را باید یادآور شد که فصل اول پختگی بیشتری داشت و در فصل دوم تغییر محسوس گریم را می‌توانیم در سلیقه چهره‌پردازی آقایان اسکندری و ملک‌ان حس کنیم. رویا نونهالی و رضا کیانیان در

مریم بیگلویی



سریال شهرزاد با توجه به قصه مستحکم،

شخصیت‌پردازی دقیق، طراحی‌های پر جنب و جوش، ارتباط خوب بازیگران با یکدیگر، فرآز و فرودهای به جا و درست که تنش‌ها و تعلیق‌های صحیح ایجاد می‌کند، توانسته مخاطب را به خوبی

هانیه تقی‌زاده



«شهرزاد» سریالی است که جدا از بحث‌های فنی، داستانی دارد که مخاطب را با خود همراه می‌کند. داستان این سریال پرطرفدار به همان اندازه که به نظر تخیلی می‌رسد، واقعی نیز هست. نشان دادن جور و ستمی که در همه زمان‌ها می‌تواند جاری باشد، نشان دادن هر که زورش بیشتر تاختش بیشتر است. همه می‌دانیم جور و جفا همیشه از سمت معشوق است اما در سریال شهرزاد این قیاد عاشق است که از فرط خواستن به معشوقش جفا می‌کند. درباره اتفاقات سیاسی زمانه حرفی ندارم چون دست‌اندرکاران این مجموعه به قدر کفایت حرفه‌ای هستند که مسائل را بر پایه پژوهشی عمیق بیان کنند. اما در مورد حسن فتیح؛ بارها شنیدیم که می‌گویند فتیحی می‌خواهد جا پای علی حاتمی در سینمای ایران بگذارد که در این مورد باید گفت چه خودش بخواهد و چه نخواهد، کارش ستودنی است و گواه آن بازی باورپذیر بازیگران سریال است که همانند دیگر فیلم‌ها و سریال‌هایشان در این مجموعه هم درخشیدند.

بهناز تابناک



در استقبال از سریال شهرزاد عوامل زیادی دخیل هستند که یکی از مهمترین آنها وجود بازیگران و سوپرستاره‌هایی است که بیشتر در سینما فعالیت دارند و حضورشان در تلویزیون کم‌رنگ است. طبیعی است که مردم به این بازیگران علاقه زیادی دارند و فیلم‌های زیادی از آنها دیدند که در آن فیلم‌ها هم به خوبی ایفای نقش کردند. از عوامل دیگر موفقیت این سریال تلفیق وقایع تاریخی و داستانی با درام عاشقانه است که موجب جذب مخاطبان زیادی در طیف‌ها و در

فصل دوم به خوبی از عهده نقش خود برآمده‌اند اما باز هم نتوانستند خلاء بزرگ آقا را پر کنند. در مجموع به همه عوامل از جمله کارگردان سریال آقای حسن فتیحی خسته نباشید می‌گویم، چرا که اثر قابل قبولی را ارائه داده‌اند و نتوانستند مخاطب گسترده‌ای داشته باشند.

ستاره باوفا



شهرزاد عاشقانه‌ای سراسر زیبایی، آفریده شده توسط بزرگ انسانی که عشق را می‌شناسد و به آن باور دارد، خالق آثاری چون شب دهم که در روح و جان نوجوانی‌ام می‌ماند تا ابد و مدار صفر درجه‌ای که در تاریخ جعبه جادویی ماندگار شد و حالا این زیبا شهرزاد، عاشقانه‌ای با حضور هنرمندانی که به بند بند وجود آدمی نفوذ کرده، نقش را با روح و جسم خود بازی می‌کنند؛ برای دلگرمی تماشاگر. آن‌ها خوب می‌دانند که چگونه پروازت دهند به سوی داشتن حسی وصف ناشدنی و فارغ شوی هر چند کوتاه از خاکستری رنگ‌های این روزگار نه چندان مهربان با دل آدمی.

سپاس می‌گویم برای رنگین کمان کردن دل مردم سرزمین. مسخ‌مان می‌کنید در نقش، در گفتار، در فضا و مکان و زمان، و زبان قاصر از گفتن تمام خوبی‌ها. پس باید دید، شنید و لذت برد از این همه نبوغ در خلق چنین اثر فاخری و سپاسگزار بود از پروردگار برای آفرینش چنین هنرمندانی.

سپاسگزارم که هستتید و خواهید ماند در بند بند وجود تماشاگر و ای کاش ادامه‌دار شود این چنین عاشقانه‌هایی برای این مردم نیازمند عشق، چنان عشقی به مانند عشق از نگاه فرهاد کوه کن به لیلی زمانش، عشق قیاد در سایه مانده از کودکی تا بزرگی و دل هزار پاره عاشقش در انتظار شنیدن دوباره صدای شهرزاد قصه گویش. قابل ستایش است عشق جوانی جامانده در گنج‌دل بلقیس و هاشم و زبانه ناتوان از توصیف جاودانه عشق ساده و بی‌آلایش صابر ساده دل و شیرین دیوانه از نبود پدر. از این روست که می‌گویم شهرزاد عاشقانه‌ای است سراسر زیبایی.



مخاطب خاص

چیزی از غرورش کم نمی‌شود. بعد از شکستی که برای شهزاد اتفاق افتاد و بحرانی که به آن دچار شد، انتخاب فرهاد تصمیمی درست و عاقلانه بود، شاید اگر شهزاد یک زن معمولی دارای تعصبات سنتی خشک بود دیگر حاضر به ازدواج با فرهاد نمی‌شد. با قاطعیت می‌توان گفت که تصمیم او چیزی از کمالات یک زن اجتماعی و تحصیل کرده کم نمی‌کند. ویژگی‌های اخلاقی شهزاد زمانی خاص بودن او را بیشتر نشان می‌دهد که هیچ وقت از قیاد متغیر نمی‌شود زیرا او می‌داند که قیاد در سر نوشت خود نقشی نداشته است، اگر چه نگاهی سرد و بی‌عاطفه به او دارد ولی همیشه دلسوزی و ترحم در چشمانش دیده می‌شود. قیاد در ابتدا دارای یک شخصیت متزلزل و سرد در کم بود و با وارد شدن شهزاد به زندگی اش دچار نوعی دگرگونی و تحول شد که این تغییر و تحول نقش وی را جذابتر کرده است. قیاد در بیان احساسات خود که با عشق و نفرت توأم بوده، بسیار ماهرانه عمل کرده است.

در خانواده هاشم یک زندگی سنتی به تصویر کشیده شده است که فضای پدرسالاری و تحکم آمیز آن زمان را به خوبی نمایان می‌کند و مرد در آن در جایگاه قدرت بی‌چون و چرای می‌باشد. هاشم خان در ایفای این نقش موفق بوده است.

امید که چنین عاشقانه‌هایی ادامه یابد و مردم متمدن ایران قصه عشق‌های خود را مرور کنند. ناگفته نماند که این هنر هنرمندان این سرزمین است که به هر قصه‌ای زیبایی و جذابیت می‌بخشد.

سنین مختلف شده است تا آنجا که نمی‌توان گفت مخاطب اصلی این سریال در چه رده سنی هستند، چرا که از نوجوان تا پیر و حتی کودکان همراه با خانواده‌هایشان این سریال را می‌بینند. فصل اول شهزاد به چنان موفقیتی رسید که حتی در فصل دوم هم مخاطب را با خود همراه کرد، مخصوصاً بازی درخشان علی نصیریان (بزرگ آقا) که نبود او در فصل دوم به شدت احساس می‌شود. البته نباید بازی بسیار خوب شهاب حسینی و ترانه علیدوستی را نادیده گرفت.

مریم رضانی



در سریال شهزاد شخصیت‌های اصلی کاملاً

حرفه‌ای انتخاب شده‌اند و هر کدام بالاتر از حد انتظار به ایفای نقش می‌پردازند تا جایی که با ایفای نقششان جذابیت بیشتری به سریال می‌دهند. در فصل اول علی نصیریان گاهی در نقش یک پدر عاطفی، مهربان، با همان دل مشغولی‌ها و نگرانی‌های یک پدر دلسوز و گاهی در نقش بزرگ آقا با شخصیتی دیکتاتور ظاهر می‌شد که تنفر، سنگدلی و انتقام در چشمانش موج می‌زند و گاهی دیده می‌شود برای مرور خاطرات گذشته و اشاره به عشق گذشته‌اش آنچنان مهربان و با ملایمت سخن می‌گوید که





محمد رضا قریب

سریال شهرزاد با استقبال بسیار زیادی مواجه شد چون تیم تبلیغات و اطلاع رسانی قوی داشت که در بیشتر دیده شدن آن نقش به سزایی داشت. شهرزاد نسبت به سریال هایی که در سال های اخیر ساخته شد، فیلمنامه بسیار قوی دارد و همچنین بازی های درخشان بازیگران و مخصوصا علی نصیریان که در فصل اول به خوبی درخشید. بازی نصیریان در فصل اول سریال به اندازه خوب بود که مخاطب در فصل سوم آن دوست دارد دوباره آن را ببیند. پیشنهاد می کنم با توجه به اینکه آقای نصیریان در فصل اول سریال فوت کرده است، رجعتی به گذشته برای حضور او وجود داشته باشد. از دیگر نکات مثبت سریال این است که در روزگاری که همه مردم به خاطر مشغله های زیاد کاری و خانوادگی از مقوله عشق جدا هستند، عشق به خوبی در این سریال به تصویر کشیده شده است و آن هم از نوع ساده و واقعی اش. به نظرم تم عاشقانه سریال بسیار لذت بخش است تا آنجا که نظر بیننده را به خوبی جلب می کند. برای عوامل شهرزاد آرزوی موفقیت دارم و به همه آن ها خسته نباشید می گویم.

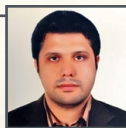
داستان هایی خوشش می آید. علاوه بر نکات ذکر شده، این سریال بازیگران بسیار خوبی مانند شهاب حسینی، ترانه علیدوستی و... دارد که بیشتر آنها جزو ستارگان سینما و تلویزیون هستند. عامل دیگر موفقیت شهرزاد مربوط به داستان آن است و اینکه مخاطب اغلب داستان ها و سریال هایی که مربوط به تهران قدیم است را به خاطر حس نوستالژی اش دارد، دوست دارد. تم عاشقانه ای که در سراسر این سریال در کنار همه اتفاقات وجود دارد نیز بر نکات مثبت آن افزوده است.

شنیدیم که فصل سوم سریال هم در حال فیلمبرداری است. به نظرم با توجه به بازی بسیار متفاوت و قوی که امیر جعفری دارد، بهتر است در فصل جدید بیشتر حضور داشته باشد. از دیگر نکات مثبت سریال این است که نمی توانی انتهای قصه را حدس بزنی، برعکس سریال هایی که در تلویزیون پخش می شود که ابتدا و انتهای آن کاملا مشخص است و هیچ هیجانی برای مخاطب ندارد. سریال های تلویزیون بیشتر برای پر کردن کنداکتور و آن هم با سرمایه ای بیشتر از باز خوردی که می تواند در جامعه داشته باشد، است.



وحید عباسی

شهرزاد سریال عاشقانه ای است که همه مردم و مخصوصا جوان ها آن را بسیار دوست دارند. خانواده ام هر هفته دوشنبه ها منتظر قسمت جدید آن هستند و دسته جمعی آن را می بینیم. نکته قابل توجه دیگر در این سریال مقوله عشق است که به خوبی در عین سادگی به آن پرداخته شده است. اینکه حتی آدم لابلالی (مانند قباد) هم عاشق می شود و برای بدست آوردن آن می جنگد. در مجموع این سریال در بین جوانان جایگاه خوبی پیدا کرده است تا آنجا که به جای دنبال کردن سریال های سخیف ماهواره می توانند وقت خود را برای دیدن این نوع سریال ها بگذارند.



امید عرفانی

در بین سریال هایی که وارد شبکه نمایش خانگی شده اند، شهرزاد و قهوه تلخ از همه قوی تر بوده است که البته قهوه تلخ در عرضه کمی ناموفق بود، زیرا هر هفته به طور مرتب عرضه نمی شد اما یکی از نکات مثبت سریال شهرزاد این است که به صورت مرتب از اولین قسمت و تا فصل دوم، هر هفته دوشنبه ها عرضه شد و هیچ تاخیری در آن وجود نداشت. در کمتر سریالی شاهد چنین برنامه ریزی خوبی بوده ایم. دلیل موفقیت دیگر شهرزاد کارگردان قدرتمندی همچون حسن فتحی است که با سلیقه مخاطب آشناست و به خوبی می داند که مخاطب از چه



قاب آینده

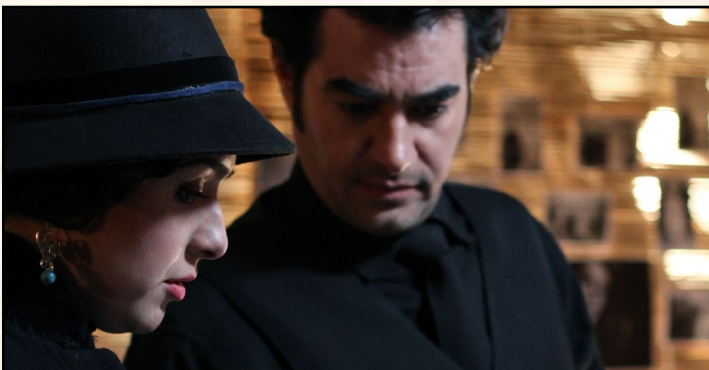
قسمت پانزدهم



👉 قباد این بار درگیر چه ماجرای شده است؟



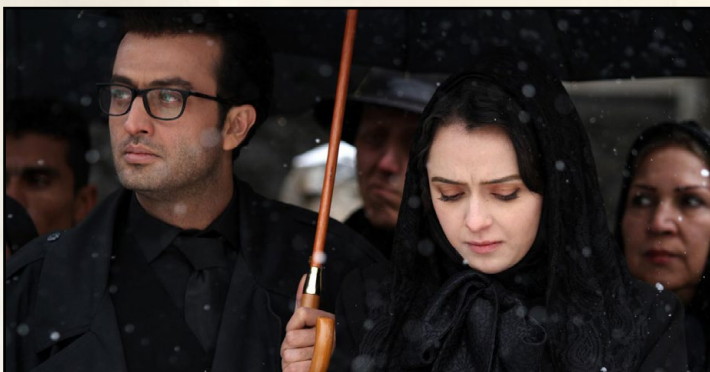
👉 اکرم سی‌تولقه قسیر در پرونده فرهاد در دکان؟



👉 قباد و شهباز همگی بوش در کنار هم؟



فرهاد و شهرزاد در مراسم ختم؟



شورا می تواند فرار کند؟



سروان پرویز در خانه دیوان سالانه تباری یا...؟





تصویر گستر پاسارگاد
Tasvir Gostar Pasargad Co.

Lotiis
PLAY
LotusPlay.ir



فصل پنجم
شهرزاد

عرضه قسمت پانزدهم: دوشنبه ۱۷ مهر ماه

www.shahrzadseries.com